رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۷، شماره پیاپی ۷۶، مهر ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(7), 2022

ارزیابی مدل ساختاری گرایش به خیانت زناشویی بر اساس عدالت زناشویی با نقش واسطه‌ای بلوغ عاطفی

Evaluation of the Structural Marital Infidelity Based on Marital Justice with the Mediating Role of Emotional Maturity

مطهره مشرفی
دانشجوی دکتری مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.
دکتر رضا خاکپور (نویسنده مسئول)
استادیار گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.
دکتر مژگان نیکنام
استادیار گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مدل ساختاری گرایش به خیانت زناشویی بر اساس عدالت زناشویی با نقش واسطه‌ای بلوغ عاطفی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متاهل مراجعه‌کننده به مراکز مثبت زندگی بهزیستی شهرستان بهشهر در طول سه ماه آذر، دی و بهمن ماه سال ۱۴۰۰ بود که از بین آن‌ها تعداد ۳۸۵ نفر به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند. همه افراد پرسشنامه‌های گرایش به خیانت زناشویی (PDIQ) دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹)، عدالت زناشویی (MJQ) هتفیلد و همکاران (۲۰۱۳) و بلوغ عاطفی (EMS) سینگ و بهار گاوا (۱۹۹۰) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد بین عدالت زناشویی و بلوغ عاطفی با گرایش به خیانت زناشویی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد (P<۰/۰۱). همچنین نتایج نشان داد بلوغ عاطفی (۰/۳۸۲-) و عدالت زناشویی (۰/۴۲۳-) اثر مستقیم و معنی‌داری (P<۰/۰۱) بر گرایش به خیانت زناشویی دارند. همچنین عدالت زناشویی از طریق بلوغ عاطفی اثر غیرمستقیم (۰/۲۱۳-) و معنی‌داری بر گرایش به خیانت زناشویی داشت. بنابراین مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بوده و عدالت زناشویی به واسطه‌ی بلوغ عاطفی با خیانت زناشویی ارتباط دارد و می‌توان از این یافته‌ها در برنامه‌های آموزشی و مداخلات زوج‌درمانی استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: *بلوغ عاطفی، زنان، عدالت زناشویی، گرایش به خیانت.*

Motahare Mosharrafi
PhD Student of Counseling, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.
Dr. Reza Khakpour*
Assistant Professor of Counseling, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.
r.khakpour@riau.com
Dr. Mojgan Niknam
Assistant Professor of Counseling, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Abstract

The present research was conducted with the aim of evaluating the structural model of a tendency to marital infidelity based on marital justice with the mediating role of emotional maturity. The statistical population of the study consisted of all married women who referred to the positive life welfare centers of Behshahr city during the three months of December, January, and February of 2021, out of which 385 people were selected by non-random sampling method. All subjects completed the Marital Infidelity Propensity (PDIQ) Questionnaires by Drigotas et al. (1999), Marital Justice (MJQ) Hatfield et al.'s (2013), and Singh & Bhargava (1990) Emotional Maturity (EMS) questionnaires. For data analysis, a structural equation model was used. The results showed that there is a negative and significant relationship between marital justice and emotional maturity with the tendency to commit marital infidelity (P<0.01). Also, the results showed that emotional maturity (-0.382) and marital justice (-0.423) have a direct and significant effect (P<0.01) on the tendency to commit marital infidelity. Also, marital justice through emotional maturity had an indirect and significant effect (-0.213) on the tendency to commit marital infidelity. Therefore, the research model has a favorable fit and Marital justice is related to marital infidelity through emotional maturity these findings can be used in educational programs and couple therapy interventions.

Keywords: *Emotional Maturity, Women, marital justice, Tendency to Marital Infidelity*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مرداد ۱۴۰۱** **پذیرش: مهر ۱۴۰۱** **ویرایش نهایی: مهر ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

مقدمه

با توجه به اینکه خانواده یک واحد اساسی در جامعه بشری بوده و هسته اصلی آن با ازدواج یا روابط زناشویی شکل می‌گیرد. ازدواج روندی است که با آن زن و مرد به عنوان همسر، روابط خود را به صورت عمومی و رسمی شکل می‌دهند. افراد به دلایل گوناگون چون عشق، مسئولیت، پیشرفت شغلی، اقتصادی و برای دستیابی به احساسات ازدواج می‌کنند. نهاد ازدواج با گذشت زمان، دچار تحولاتی در رابطه با زن و شوهر شده که ممکن است روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد (باس[1]، ۲۰۱۸). خیانت زناشویی[2] به عنوان دردناک‌ترین و زیان‌آورترین حادثه‌ای که رابطه‌ی صمیمانه‌ی زوج‌ها را تخریب ساخته و پیوندهای ایمن ایشان را از هم می‌گسلد، شناخته شده است. این واقعه‌ی شوم، وفاداری زوج‌ها نسبت به ازدواج را سست نموده، ساختار و ثبات رابطه‌ی میان آن‌ها را تخریب و در صورت درمان نشدن به طلاق و جدایی می‌انجامد (پارکر و کمپل[3]، ۲۰۱۸؛ به نقل از دهقانی و اصلانی، ۱۳۹۹). خیانت زناشویی می‌تواند پیامدهای منفی و شدیدی در زوجین ایجاد کند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که در زنانی که مورد خیانت‌زناشویی قرار گرفته‌اند این پیامدها خود را به صورت احساساتی چون خشم و عصبانیت، عزت نفس پایین، افسردگی و درماندگی با علائمی نظیر استرس پس از سانحه نشان می‌دهد (رز[4] و همکاران، ۲۰۱۹). می‌توان گفت که عدالت زناشویی[5] یکی از متغیرهای اثر گذار در خیانت زناشویی است. با توجه به قواعد کلی، فورایس[6] (۲۰۱۴) پنج اصل عدالت توزیعی را تشریح کرد که عبارتند از: برابری، انصاف، نیاز، قدرت و مسئولیت که سه مورد اول (یعنی برابری، انصاف و نیاز) موارد غالب در بسیاری از فرهنگ ها هستند (ساکلار[7]، ۲۰۲۱).

نورانی و همکاران (۲۰۱۹) بر اهمیت نگرش نقش جنسیتی و تقسیم کارهای خانه در ادراک عدالت در زوجین تأکید کرده‌اند. بنابراین، می‌توان فرض کرد که عدالت زناشویی در رابطه زوجی اهمیت دارد و بر کیفیت زناشویی تأثیر مثبت می‌گذارد. بر اساس مدل عدالت یک شخص به مقایسه درون‌دادها و برون‌دادهایش با چهارچوب قیاس درونی خود درباره وجود عدالت در رابطه خود و همسرش قضاوت می‌کند. به طور خلاصه یکی از فرضیه‌های نظریه انصاف را می‌توان این‌گونه بیان کرد که در روابط عاشقانه زودگذر و دائمی زوج‌هایی که احساس می‌کنند روابط آن‌ها منصفانه است، نسبت به آن‌هایی که این احساس را ندارند، احتمال بیشتری وجود دارد که روابط صمیمانه‌تری را تجربه کنند و کمتر به خیانت گرایش دارند (جانگ و یون[8]، ۲۰۱۸).

بلوغ عاطفی[9] یکی دیگر از متغیرهایی است که به نظر می‌رسد می‌تواند منجر به خیانت زناشویی شود. بلوغ عاطفی به توانایی هدایت و تسهیل تمایلات عاطفی برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده اشاره دارد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۷). بلوغ عاطفی در زندگی متاهلین به صورت توانایی تحمل تنش، توانایی عشق دادن و عشق گرفتن، توانایی روبه‌روشدن با واقعیات زندگی و تجزیه و تحلیل جزئیات آن وقایع، توانایی تعبیر مثبت داشتن از تجربیات ناگوار، پذیرش شکست، توانایی کنترل خشم متبلور می‌گردد؛ لذا بلوغ عاطفی می‌تواند به زندگی افراد متأهل و موفقیت آن‌ها در زندگی کمک شایانی کند (صفایی و صداقت، ۱۳۹۹).

شواهد پژوهشی متعددی در ارتباط با بلوغ عاطفی و ارتباط ان با گرایش به خیانت حاکی از آن است که همسران دارای بلوغ عاطفی بالاتر نسبت به خیانت زناشویی نگرش منفی تری دارند. برای مثال، نتایج پژوهش رجبی و عباسی (۱۳۹۷) نشان داد بین بلوغ عاطفی با نگرش به خیانت در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. بنابراین نتیجه این پژوهش گویای این است زوجینی که برخوردار از بلوغ عاطفی هستند، بهتر می‌توانند هوای نفسانی خویش را کنترل و نیازهای روانی و هیجانیشان را تنظیم کنند و مسولیت اعمال خود را بپذیرند و به اخلاقیات پایبند باشند پژوهش بذرگر و هنرپروران (۱۳۹۸) حاکی از آن است بین بلوغ عاطفی در افراد دارای گرایش به خیانت و افراد عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به این صورت که افرادی که گرایش به خیانت دارند در مقایسه با افراد عادی، بلوغ عاطفی کمتری دارند. افزون براین، عدالت زناشویی نیز به عنوان متغیر همبسته دیگر می توان در گرایش به خیانت زناشویی تاثیر مهمی دارد. در واقع نتایج مطالعات نشان می دهد همسرانی که عدالت زناشویی را در زندگی مشترک به عنوان یکی از اصول اولیه بر می شمرند

1. Buss
2. Marital Infidelit
3. Parker & Campbell
4. Roos
5. marital justice
6. Forsyth
7. Şaklar
8. Jung & Yoon
9. emotional maturity

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

گرایش کمتری به خیانت زناشویی دارند. برای مثال، یافته‌های پژوهش غفاری و رمضانی (۱۳۹۸) نشان داد وجود عدالت زناشویی می‌تواند کیفیت روابط زناشویی را پیش‌بینی کند. پژوهش نلسون[1] و همکاران (۲۰۱۸) تحت عنوان عدالت رویه ای ادراک شده و مدیریت تعارض در روابط صمیمانه با نقش تعدیل کننده دلبستگی اضطرابی نشان داد که افراد دلبسته مضطرب تمایل به کاهش همکاری با همسر خود در تعارضات زناشویی دارند در حالی که شرکت کنندگان قدرتمند و مستقل تمایل به تعارض کمتری داشتند. در پژوهش ساکلار (۲۰۲۱) اکثریت شرکت کنندگان ذکر کردند که عدالت برای یک رابطه زناشویی پایدار و رضایت بخش مهم و ضروری است. اکثر شرکت کنندگان بر اهمیت عدالت نه تنها در روابط زناشویی یا عاشقانه بلکه در هر نوع روابط بین فردی تاکید کردند. در واقع، این توضیحات شفاهی شرکت کنندگان را می‌توان به عنوان تاییدی بر یافته‌های مطالعه کمی قبلی پذیرفت که نشان می‌دهد عدالت درک شده (یا برابری) رضایت رابطه، تعهد به رابطه و رفتار نگهداری را پیش‌بینی می‌شود.

با توجه به اینکه شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی در کشور مانع از انجام مطالعات کافی و جامع در زمینه خیانت زناشویی شده است و با توجه به تاثیر غیر قابل انکار این مسئله (خیانت) بر افراد و جامعه، بیشتر پژوهش‌ها در ایران به بررسی آثار خیانت پس از وقوع پرداخته‌اند؛ لذا نیاز به بررسی علل و عوامل مختلف تاثیرگذار در تمایل به خیانت زوجین برای پیشگیری و کاهش آمار خیانت زناشویی احساس می‌شود (امیدی ارجنکی و همکاران، ۱۳۹۸). لازم به ذکر است براساس مطالعات خیانت زناشویی می‌تواند اسیب‌های روانی جدی برای خانواده و در سطح گسترده‌تر برای جامعه پدید آورده است. از هم پاشیدگی خانواده‌ها، چالش‌های حضانت فرزندان، آمار بالای ابتلا به آسیب‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب و تحمیل بار مالی هنگفت به سیستم خدمات بهداشتی و درمانی و در نهایت اقدام به خودکشی در زوجین بعد از طلاق به دنبال خیانت زناشویی گزارش شده است (رجبی و عباسی، ۱۳۹۷). با در نظر گرفتن عواقب سنگین خیانت زناشویی برای افراد و جامعه به نظر می‌رسد طی دو دهه اخیر این مساله به عنوان یکی از موضوعات بحث انگیز محل بررسی و بحث متخصصان و صاحبنظران بوده است. لازم به ذکر است که تاکنون پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور به بررسی پیش‌آیندهای خیانت زناشویی پرداختند و هر کدام از پژوهش‌ها به صورت مختصر به برخی از عوامل اثرگذار بر آن پرداختند. لذا می‌توان گفت پژوهش‌های پیشین هر کدام به صورت جداگانه روابط بین برخی از متغیرهای پژوهش حاضر را در قالب ماتریس همبستگی و یا رگرسیون نشان داده‌اند، اما تاکنون پژوهشی وجود نداشته که این متغیرها را در کنار یکدیگر قرار دهد و به عنوان یک مدل منسجم مورد بررسی قرار دهد. بنابراین،از آنجا که در رابطه بین متغیر عدالت زناشویی با گرایش به خیانت زناشویی مطالعه اندکی صورت گرفته است و نظر به اهمیت بلوغ عاطفی در رابطه بین زوجین و وجود خلاء پژوهشی در بررسی نقش میانجی این متغیر در رابطه بین متغیر عدالت زناشویی با گرایش به خیانت زناشویی هدف پژوهش حاضر ارزیابی مدل ساختاری گرایش به خیانت زناشویی بر اساس عدالت زناشویی با نقش واسطه‌ای بلوغ عاطفی زنان متاهل می‌باشد.

روش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است و به شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متاهل مراجعه‌کننده به مراکز مثبت زندگی بهزیستی شهرستان بهشهر در طول سه ماه آذر، دی و بهمن ماه سال ۱۴۰۰ بودند. بر اساس اصول و قواعد نمونه‌گیری در مدل معادلات ساختاری، تعداد ۳۸۵ نفر نمونه برای این پژوهش در نظر گرفته شد که به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند. پژوهشگران بیان کرده‌اند که حداقل حجم نمونه برای مدل‌یابی معادلات ساختاری ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر است. برخی پژوهش‌ها تعداد بیشتری در حد ۲۰۰ نفر را پیشنهاد می‌کنند (کلاین[2]، ۲۰۱۵). همچنین پیشنهاد شده است که به ازای هر متغیر آشکار حدود ۲۰ نفر برای حجم نمونه در نظر گرفته شود (بیرن[3]، ۲۰۱۳). لذا در این پژوهش تعداد ۳۸۵ نفر در نظر گرفته شد تا اطمینان لازم را در مورد توان آماری مطلوب و کفایت نمونه‌برداری فراهم کند، همچنین از احتمالات مربوط به مخدوش شدن، پاسخ ندادن و مفقود شدن پرسشنامه‌ها جلوگیری شود. ملاک های ورود شامل تمایل جهت حضور در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌ها، حداقل تحصیلات سیکل جهت خواندن و نوشتن، جنسیت خانم و متاهل بودن و ملاک‌های خروج شامل عدم تمایل به ادامه حضور در پژوهش و تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود. رضایت آگاهانه آزمودنی‌ها از حضور در پژوهش، حفظ رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات هویتی از جمله ملاحظات اخلاقی بود که

[1]. Nelson
[2]. Kline
[3]. Byrne

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

پژوهشگران مد نظر قرار دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزارهای $SPSS_{V19}$ و $AMOS_{V20}$ استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه گرایش به خیانت زناشویی (PDIQ[1]): این پرسشنامه توسط دریگوتاس[2] و همکاران در سال ۱۹۹۹ طراحی شده است. پرسشنامه دارای ۱۱ گویه بوده که خیانت زناشویی را در قالب ۳ مؤلفه خیانت شناختی، خیانت عاطفی و خیانت جنسی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پرسشنامه بر روی یک طیف لیکرت ۸ گزینه‌ای از ۱ تا ۷ قرار دارد که نمرات بالاتر نشان از خیانت بیشتر و نمرات پایین‌تر نشان از عدم خیانت است. حداقل نمره برای این پرسشنامه ۱۱ و حداکثر نمره ۷۷ می‌باشد. دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹) میزان روایی محتوایی ان ابزار را ۰/۹۶ گزارش کردند. همچنین میزان پایایی کلی این ابزار را به روش بازآزمایی ۰/۸۵ گزارش کردند. این ابزار در ایران رواسازی شد که میزان روایی همزمان این مقیاس با پرسشنامه رفتار خیانت‌آمیز از طریق همبستگی ۰/۸ بدست آمد و میزان پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ و هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها شامل خیانت شناختی ۰/۸۸، خیانت عاطفی ۰/۹۰ و خیانت جنسی ۰/۸۵ بدست آمد (نصیری جونقانی و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۲ و هر کدام از مؤلفه‌ها شامل خیانت شناختی ۰/۷۵، خیانت عاطفی ۰/۷۷ و خیانت جنسی ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه عدالت زناشویی (MJQ[3]): پرسشنامه جهانی انصاف توسط هاتفیلد در سال ۲۰۱۳ ساخته شده است و مشتمل بر ۲۶ سوال و ۴ خرده مقیاس، مشارکت اجتماعی و آینده‌نگری، تعهد و حمایت، محبت و تشویق، هوش و آراستگی می‌باشد. به پاسخ‌دهندگان یک لیست ۲۶ موردی که شامل نگرانی‌های شخصی، نگرانی‌های هیجانی، نگرانی‌های روزمره و مسائلی که شخص توسط روابط عاشقانه و ازدواج بدست‌می‌آورد و یا از دست می‌دهد، داده می‌شود. از زنان خواسته می‌شود تا نحوه عادلانه بودن و منصفانه بودن روابط زناشویی و روابط عاشقانه خود را ارزیابی کنند و برای هر عقیده در مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت به ترتیب +۳: سازش من خیلی بهتر از شریک زندگیم است تا ۳-: سازش شریک زندگی من خیلی بهتر از من است را نشان می‌دهند. بنابراین حداقل نمره -۷۵ و حداکثر نمره ۷۵+ می‌باشد که هرچه نمره آزمون به سمت صفر نزدیک شود، نشان‌دهنده درک بالاتر انصاف در رابطه می‌باشد. هاتفیلد و همکاران روایی محتوایی این پرسشنامه را ۰/۸۸ و میزان پایایی این ابزار را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کردند. عبداللهی و همکاران (۱۳۹۹) پایایی این ابزار را با محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کردند و روایی محتوایی آن را توسط ۱۰ نفر از متخصصان روانشناسی و مشاوره مورد بررسی قرار دادند که نتایج بررسی، روایی مطلوب این پرسشنامه را تایید کرد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه بلوغ عاطفی (EMS[4]): این پرسشنامه توسط سینگ و بهارگاوا[5] در سال ۱۹۹۰ ساخته شد. شامل ۴۸ سؤال است که آن بررسی آن بررسی ابعاد مختلف بلوغ عاطفی (عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال) می‌باشد. پرسش‌ها در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۵=خیلی زیاد، ۴= زیاد، ۳= نامشخص، ۲=احتمالا، ۱=هرگز) قرار دارند. هر چه نمره بالاتر باشد درجه بالاتری از بلوغ عاطفی وجود دارد و برعکس. بیشترین امتیاز یعنی ۲۴۰ معرف بالاترین وضعیت عاطفی و امتیاز ۵۰ معرف کمترین وضعیت عاطفی می‌باشد. تدوین‌کنندگان روایی سازه این پرسشنامه را ۰/۸۵ و میزان پایایی این ابزار را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش کردند (سینگ و بهارگاوا، ۱۹۹۰). روایی محتوایی این پرسشنامه در نمونه ایرانی ۰/۶۴ و پایایی آن ۰/۹۱ گزارش شد (جعفری هرندی و رجایی موسوی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ بدست آمد.

یافته‌ها

در این پژوهش ۳۷۵ زن ۲۰ تا ۴۶ سال و بالاتر شرکت داشتند. میانگین سنی ۳۷/۵ و انحراف استاندارد برابر با ۳/۴۶ بود. تعداد ۴۹ نفر (۱۳/۱٪) زیر ۵ سال، ۲۳۷ نفر (۶۳/۲٪) ۶ تا ۱۰ سال و ۸۹ نفر (۲۳/۷٪) ۱۱ تا ۱۵ سال و بالاتر ازدواج کرده بودند. میانگین مدت زمان ازدواج برابر با ۹/۸۸ سال و انحراف استاندارد ۴/۵۵ بود. همچنین تعداد ۷۶ نفر (۲۰/۳٪) زیر دیپلم، ۱۳۹ نفر (۳۷/۱٪) تحصیلات

[1]. prediction of dating infidelity questionnaire
[2]. Drigotas
[3]. marital justice questionnaire
[4]. Emotional Maturity Scale
[5]. Singh & Bhargava

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

دیپلم و فوق دیپلم، ۱۳۱ نفر (۳۴/۹٪) تحصیلات کارشناسی و ۲۹ نفر (۷/۷٪) تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند. افزون بر آن تعداد ۱۷۴ نفر (۴۶/۴٪) وضعیت اقتصادی ضعیف، ۱۶۵ نفر (۴۴٪) وضعیت متوسط و ۳۶ نفر (۹/۶٪) وضعیت اقتصادی خوبی را گزارش کردند. به منظور تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری استفاده شد. قبل از انجام تحلیل‌های مربوطه داده‌های پرت تک‌متغیری با استفاده از نمودار جعبه‌ای (Box Plot) شناسایی شد و نتایج نشان داد هیچگونه داده پرتی در بین داده‌ها وجود ندارد. همچنین علاوه بر مفروضه نرمال بودن، به منظور استقلال خطاها از آماره دوربین واتسون (DW=۱/۶۳) استفاده شد که نتایج نشان از برقراری این مفروضه بود. همچنین مفروضه همخطی چندگانه با استفاده از آماره‌های تلرانس و تورم واریانس مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد هیچکدام از مقادیر تلرانس بالاتر از ۱ و هیچکدام از مقادیر تورم واریانس بالاتر از ۱۰ نبوده که نشان از برقرای این مفروضه است. در حدول زیر یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش آمده است.

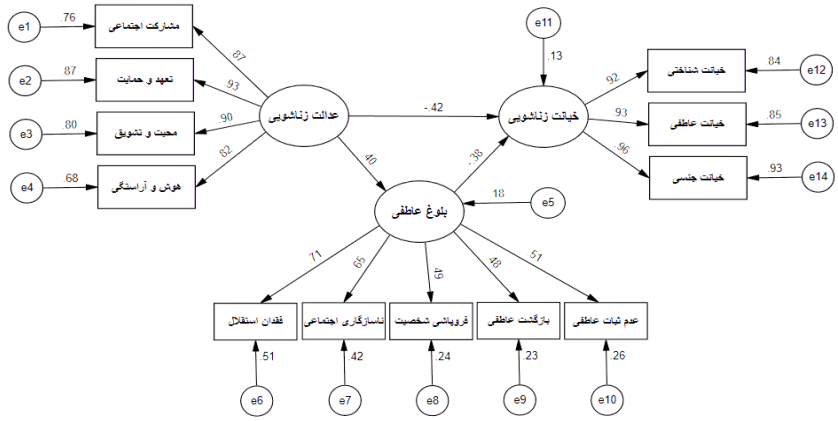
جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱. خیانت شناختی	۱														
۲. خیانت عاطفی	۰/۵۲*	۱													
۳. خیانت جنسی	۰/۵۰*	۰/۵۱*	۱												
۴. خیانت کل	۰/۳۹*	۰/۴۰*	۰/۴۴*	۱											
۵. مشارکت اجتماعی	-۰/۳۸*	-۰/۴۰*	-۰/۳۶*	-۰/۳۲*	۱										
۶. تعهد و حمایت	-۰/۳۵*	-۰/۳۷*	-۰/۳۲*	-۰/۳۰*	۰/۴۲*	۱									
۷. محبت و تشویق	-۰/۳۳*	-۰/۳۴*	-۰/۲۹*	-۰/۳۵*	۰/۴۰*	۰/۲۹*	۱								
۸. هوش و آراستگی	-۰/۱۸*	-۰/۲۵*	-۰/۲۰*	-۰/۳۲*	۰/۲۲*	۰/۲۳*	۰/۱۹*	۱							
۹. عدالت زناشویی کل	-۰/۲۱*	-۰/۲۲*	-۰/۱۹*	-۰/۵۲*	۰/۲۰*	۰/۲۱*	۰/۲۴*	۰/۲۳*	۱						
۱۰. عدم ثبات عاطفی	-۰/۱۹*	-۰/۲۱*	-۰/۲۲*	-۰/۳۲*	۰/۲۳*	۰/۲۱*	۰/۲۲*	۰/۲۷*	۰/۲۰*	۱					
۱۱. بازگشت عاطفی	-۰/۲۲*	-۰/۱۹*	-۰/۲۴*	-۰/۳۰*	۰/۲۵*	۰/۲۲*	۰/۲۴*	۰/۱۹*	۰/۲۰*	۰/۱۹*	۱				
۱۲. فروپاشی شخصیت	-۰/۲۵*	-۰/۲۳*	-۰/۱۸*	-۰/۲۹*	۰/۲۵*	۰/۲۷*	۰/۲۲*	۰/۲۱*	۰/۲۳*	۰/۲۴*	۰/۲۸*	۱			
۱۳. ناسازگاری اجتماعی	-۰/۲۲*	-۰/۲۵*	-۰/۲۰*	-۰/۲۷*	۰/۱۹*	۰/۲۱*	۰/۱۸*	۰/۲۵*	۰/۲۳*	۰/۲۰*	۰/۲۱*	۰/۱۹*	۱		
۱۴. فقدان استقلال	-۰/۲۵*	-۰/۲۸*	-۰/۲۱*	-۰/۲۹*	۰/۲۴*	۰/۲۵*	۰/۲۰*	۰/۲۲*	۰/۲۸*	۰/۲۵*	۰/۲۷*	۰/۲۱*	۰/۲۹*	۱	
۱۵. بلوغ عاطفی کل	۰/۲۲*	-۰/۲۵*	-۰/۲۸*	-۰/۴۳*	۰/۲۵*	۰/۳۹*	۰/۱۸*	۰/۲۰*	۰/۵۵*	۰/۲۲*	۰/۲۵*	۰/۲۲*	۰/۲۸*	۰/۳۰*	۱
میانگین	۱۶/۰۹	۱۲/۵۹	۱۶/۴۹	۴۵/۱۷	-۳/۱۰	-۱/۹۷	-۰/۵۰	-۱/۴۴	-۷	۲۳/۴۷	۳۲/۲۶	۲۹/۹۴	۳۱/۵۵	۳۲/۴۲	۱۴۹/۶۴
انحراف معیار	۶/۳۰	۴/۷۱	۶/۳۱	۱۶/۵۹	۹/۸۳	۵/۷۹	۵/۴۷	۴/۱۶	۲۳/۱۳	۴/۸۲	۳/۴۷	۴/۱۵	۳/۹۱	۴	۱۳/۰۹
کجی	۰/۹۲	۱/۱۳	۱/۳۳	۱/۳۸	۱/۵۶	۱/۳۰	۱/۰۱	۰/۶۴	۱/۷۳	۰/۲۶	۰/۲۲	۰/۳۳	۰/۰۷	۰/۱۷	۰/۳۵
کشیدگی	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۴۰	۰/۴۹	۱/۸۶	۱/۲۹	۰/۶۸	۰/۰۹	۱/۰۹	۰/۵۲	۱/۴۰	۱/۱۹	۰/۳۴	۰/۶۰	۱/۰۶

* کلیه همبستگی‌ها در سطح p<۰/۰۱ معنی‌دار هستند.

نتایج مربوط به یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول آمده است. همچنین در دو ستون دیگر جدول نتایج کجی و کشیدگی جهت نرمال بودن داده‌ها آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود شاخص‌های کجی و کشیدگی همه متغیرهای آشکار بین ۲- و ۲ قرار دارد که بیانگر عدم انحراف بیش‌ازحد توزیع نمرات متغیرها از توزیع نرمال است (مایلز و شولین، ۲۰۰۱؛ به نقل از کیامنش و کبیری، ۱۳۹۵). از سویی نتایج جدول نشان می‌دهد رابطه منفی و معنی‌داری بین بلوغ عاطفی و عدالت زناشویی با گرایش به خیانت زناشویی وجود دارد. به این معنی افرادی که بلوغ عاطفی و عدالت زناشویی بالایی دارند، گرایش کمتری به خیانت زناشویی دارند. افزون بر آن بین بلوغ عاطفی با عدالت زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری بدست آمد. کلیه همبستگی‌ها در سطح P<۰/۰۱ معنی‌دار بوده‌اند. پس از بررسی همبستگی متغیرهای پژوهش نتایج مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری و تحلیل عاملی برای هر سه متغیر مطلوب بود. در ادامه ابتدا مدل ساختاری پژوهش ارائه شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]



شکل ۱: مدل اثر غیر مستقیم عدالت زناشویی به واسطه بلوغ عاطفی بر گرایش به خیانت زناشویی

شکل ۱ مدل بررسی روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد. در این مدل متغیرهای عدالت زناشویی متغیر برونزا بوده و نقش مستقیم آن‌ها بر بلوغ عاطفی و خیانت زناشویی و نقش غیر مستقیم آها بر خیانت زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. نقش مستقیم بلوغ عاطفی بر خیانت زناشویی نیز در مدل ارائه شده است. در ادامه ضرایب مستقیم و غیرمستقیم روابط بین متغیرها در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر مستقیم	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	آماره t	معنی‌داری
عدالت زناشویی به بلوغ عاطفی	۰/۴۰	۰/۱۷	۰/۰۷	۴/۸۲	۰/۰۰۱*
عدالت زناشویی به گرایش خیانت زناشویی	-۰/۴۲	-۰/۱۹	-۰/۰۸	-۵/۱۲	۰/۰۰۱*
بلوغ عاطفی به گرایش خیانت زناشویی	-۰/۳۸	-۰/۱۵	-۰/۰۵	-۳/۹۵	۰/۰۰۱*

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از روابط متغیرها از طریق ضرایب مستقیم در جدول فوق نشان می‌دهد که اثر عدالت زناشویی بر بلوغ عاطفی مثبت و بر گرایش خیانت زناشویی منفی است. همچنین بلوغ عاطفی بر گرایش به خیانت زناشویی اثر منفی و معنی‌دار داشت.

جدول ۳: ضرایب غیر مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر غیر مستقیم	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد	معنی‌داری	حد پایین ضریب استاندارد	حد بالای ضریب استاندارد
عدالت زناشویی به گرای به خیانت زناشویی	-۰/۲۱	-۰/۱۱	۰/۰۱۴	-۰/۵۶۲	-۰/۰۸۳

در روش بوت استرپ سطح اطمینان ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ در نظر گرفته شده است. اگر مقادیر حد بالا و حد پایین (فواصل اطمینان) شامل صفر نشود نقش متغیر میانجی معنادار است. بر اساس نتایج بوت استرپ مشخص شد که اثر غیر مستقیم عدالت زناشویی منفی و معنی‌دار بود. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل ارائه شد.

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی برای الگوی تدوین‌شده

شاخص‌های برازش	RMSEA	CFI	NFI	GFI	AGFI	X^2/df	df	X^2
دامنه پذیرش	۰/۰۸<	۰/۹>	۰/۹>	۰/۹>	۰/۹>	۳<		
مقدیر بدست آمده	۰/۰۷۷	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۰	۲/۴۲۰	۳۶	۸۷/۱۱۲

برای برآورد مدل ساختاری از روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد. در این مدل شاخص‌های برازندگی ریشه واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۷۷، شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI) برابر ۰/۹۵، شاخص برازش نرم شده (NFI) برابر ۰/۹۵، شاخص نیکویی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

برازش (GFI) برابر ۰/۹۴ و شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI) برابر ۰/۹۰ بدست آمد. همچنین شواهد حاکی از آن است که مقدار خی‌دو در این تحلیل ۸۷/۱۱ بدست آمده و درجه آزادی ۳۶ بوده که در نتیجه میزان X^2/df=۲/۴۲۰ بدست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر ارزیابی مدل ساختاری گرایش به خیانت زناشویی بر اساس عدالت زناشویی با نقش واسطه‌ای بلوغ عاطفی بود. نتایج پژوهش نشان داد بلوغ عاطفی و عدالت زناشویی با گرایش به خیانت زناشویی اثر مستقیم، منفی و معنی‌داری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های رجبی و عباسی (۱۳۹۷)، بذرگر و هنرپروران (۱۳۹۸)، غفاری و رمضانی (۱۳۹۸)، نلسون و همکاران (۲۰۱۸) و ساکلار (۲۰۲۱) همسو و با مطالعه پودریگالو و همکاران (۲۰۱۹) ناهمسو بود.

در تبیین بین یافته‌ها می‌توان گفت بلوغ عاطفی رشدی است که انتظار می‌رود افراد بتوانند به کنترل احساسات و دریافت و شناخت آن دست پیدا کنند و بر اساس آن رفتار کنند، از این رو فردی که به رشد و بلوغ عاطفی کامل رسیده باشد در زندگی زناشویی از توانایی برقراری ارتباط صحیح با همسر خود برخوردار است و در تعامل با همسر خویش موفق عمل می‌کند (رجبی و عباسی، ۱۳۹۷). بلوغ عاطفی مراحل متفاوتی دارد و در بزرگسالی به کمال خواهد رسید. با ادامه رشد، فرد به نقطه‌ای از حساسیت می‌رسد که می‌تواند با دیگران همدلی داشته باشد و این به معنی حس کردن احساسات دیگران و توانایی درک دیگران است. بلوغ عاطفی نشان‌دهنده چگونگی تنظیم کردن هیجانات، صمیمیت، همدلی، ثبات روانی و استقلال است. فردی که بتواند این موارد را به درستی و با راهبردهای معین تنظیم کند، از نظر عاطفی بالغ است؛ بنابراین در تبیین این یافته می‌توان نتیجه گرفت، کسانی که بلوغ عاطفی پایین‌تری دارند باعث می‌شود که گرایش به خیانت بیشتری داشته باشند همچنین می‌توان نتیجه گرفت که فرد به دلیل عدم توانایی‌ها، خود را نیازمند کمک می‌داند چه‌بسا که اینگونه اشخاص با توجه به صورت اخلاقیشان دچار طردشدگی و بی‌مهری قرار گیرند؛ که در این صورت مشکلاتشان دوچندان خواهد شد. لذا این افراد با توجه به ناتوانی در رفع نیازها و حل مشکلات درصدد کمک گرفتن از دیگران برمی‌آیند و گاه ممکن است از روی لجاجت هم که شده جهت رفع نیازها به ریسمان‌های دیگر چنگ بیندازند و دور از انتظار نیست که یکی از این ریسمان‌ها گرایش به خیانت باشد. افزون بر آن عدالت زناشویی یکی از عواملی است که می‌تواند اثر مستقیمی بر گرایش به خیانت زناشویی داشته باشد. در شرایط فرهنگی اجتماعی عصر حاضر، زوجین باید هوشمندانه به ارزش‌ها، نگرش‌ها، نیازها، دغدغه‌ها و مشکلات یکدیگر توجه نشان دهند تا بتوانند قضاوت درستی از مفهوم و ادراک عدالت نزد همسر و در نهایت، کیفیت رابطه خود داشته باشند و ارزش اخلاقی تلاش برای منافع مشترک را مدنظر قرار د هند. چرا که عدالت از جمله الزامات هر نوع مشارکت اجتماعی است به طوری که استمرار حضور افراد در گروه ها و نیز روابط بین فردی نزدیک، به نحوه ی ادراک آنان از چگونگی رعایت عدالت بستگی دارد . ادراک بی‌عدالتی به عنوان یک عامل تنش‌زا، می‌تواند منجر به تضعیف روحیه و افزایش تجربه پریشانی و هیجانات منفی که بسترساز بروز پرخاشگری ارتباطی هستند، شود و از این طریق بر کیفیت زناشویی تأثیر منفی بگذارد . چنان که یافته های این پژوهش نشان داد که اگر سطح ادراک عدالت توزیعی پایین باشد، رضایت و انسجام زناشویی از طریق افزایش سطح کناره گیری عاطفی، کاهش می یابد. از سویی دیگر، چنان که یافته ها نشان داد، عدم ادراک رویه ها و تعامل عادلانه از سوی همسر، سطح خراب کردن وجهه اجتماعی همسر را در فرد افزایش می دهد و متعاقب آن منجر به کاهش توافق و رضایت زناشویی می شود . توجه به تأثیر عدالت زناشویی بر پرخاشگری ارتباطی پنهان و متعاقب آن کیفیت زناشویی از این جهت حائز اهمیت است که در زندگی بسیاری از زوجین، کناره گیری عاطفی و تخریب وجهه اجتماعی ناشی از ادراک بی عدالتی، ممکن است دور باطلی از کاهش کیفیت زناشویی، کاهش بیشتر عدالت زناشویی و افزایش بیشتر پرخاشگری ارتباطی را موجب گردد و در نهایت به احتمال بسیار زیاد سرنوشت رابطه را به سمت خصومت، نفرت، دلزدگی، بی‌تفاوتی عاطفی و جدایی سوق دهد(غفاری و رمضانی،۱۳۹۸). لذا در تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت، هنگامی که در حیطه‌های مختلف زندگی تقسیم مسئولیت‌ها و وظایف منصفانه باشد، این موضوع باعث صمیمیت بیشتر میان زوج‌ها می‌شود و از آنجایی که زن و شوهر احساس بی‌عدالتی در روابط‌شان نمی‌کنند، لذا انگیزه آن‌ها برای حل مشکلات و از بین بردن تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد. در واقع نظریه انصاف نیز عنوان می‌کند که هرچه میزان ادراک برابری در رابطه بین زن و شوهر افزایش یابد، احساس خوشایندی و صمیمیت نیز بیشتر شده و در نتیجه تمایل به خیانت کمتر می‌شود. از این رو زمانی که زوج‌ها احساس کنند عدالت در روابط انها حاکم است و هر دوی آن‌ها در رابطه هزینه و پاداش یکسانی دریافت می‌کنند با

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

رضایت خاطر بیشتری وظایف و مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهند و این احساس که همسرشان آن‌ها را دوست دارد و برای رضایت خاطر او رفتار منصفانه را در پیش گرفته است، افزایش کیفیت و رضایت زناشویی و کاهش گرایش به خیانت زناشویی را در پی دارد.

از سویی نتایج نشان داد عدالت زناشویی با میانجیگری بلوغ عاطفی بر گرایش به خیانت زناشویی اثر غیرمستقیم و معنی‌داری دارد. پژوهشی که عیناً به بررسی این یافته بپردازد یافت نشد، اما می‌توان گفت این یافته با نتایج تحقیقات پیشین (بذرگر و هنرپروران، ۱۳۹۸؛ غفاری و رمضانی، ۱۳۹۸؛ نلسون و همکاران، ۲۰۱۸؛ ساکلار، ۲۰۲۱) تا حدودی همخوان است. بر اساس این یافته و با توجه به آنچه در فوق ارائه شده است، دور از ذهن نیست که افراد فاقد عدالت زناشویی از بلوغ عاطفی کمتری برخوردار باشند و به خیانت زناشویی گرایش پیدا کنند. طبق این یافته می‌توان چنین متذکر شد که با توجه به تغییرات فرهنگی- اجتماعی و تأثیر این تغییرات در ازدواج و تعاملات زوجین، امروزه ایجاد ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر عدالت‌محوری در رابطه، اهمیت بیشتری دارد. عدالت و اجرای آن تأثیر مهمی بر انگیزه‌ها، اهداف و رفتار انسان دارد. اگر زوجین به دنبال تداوم در رابطه خود هستند، نمی‌توانند نسبت به برقراری عدالت در رابطه با همسر، بی‌تفاوت باشند. لذا امروزه زوجین باید بیش از پیش نسبت به توزیع منصفانه محدودیت‌ها، منابع، پاداش‌ها و لذت‌ها، رعایت احترام، شأن و منزلت، شفافیت در تبادل اطلاعات و پیام‌رسانی و حرکت به سوی عدم تمرکز و دخیل کردن یکدیگر در تصمیم‌گیری‌های حساس باشند (غفاری و رمضانی، ۱۳۹۸). در تبیین این یافته می‌توان گفت، ادراک بی‌عدالتی به عنوان یک عامل تنش‌زا، می‌تواند منجر به تضعیف روحیه، عواطف و افزایش تجربه پریشانی و هیجانات منفی که بسترساز خیانت زناشویی هستند، شود و از این طریق بر کیفیت و رضایت زناشویی اثر منفی داشته باشد. بنابراین بر اساس نتایج این مطالعه در صورتی که عدالت زناشویی پایین باشد، رضایت و انسجام زناشویی از طریق افزایش سطح کناره‌گیری عاطفی، کاهش می‌یابد و زمانی که عدالت زناشویی به درستی رعایت نشود و در زندگی وجود نداشته باشد و هیچ‌کدام از زوجین هم از بلوغ عاطفی برخوردار نباشند، میزان تنش بین آن‌ها افزایش یافته و این تنش و تعارض موجب گرایش به خیانت یا در نهایت طلاق می‌شود. از این رو وجود بلوغ عاطفی در زندگی زناشویی و همراستایی آن با عدالت زناشویی می‌تواند به ارتقای رضایت و کیفیت زناشویی همراه باشد و از میزان خیانت زناشویی بکاهد.

با توجه به اهمیت نقش عدالت زناشویی و بلوغ عاطفی در گرایش افراد به خیانت می‌توان به کاربردهای احتمالی و آموزش این دو بستر زمینه ساز در فضای زندگی زناشویی تاکید داشت. این دو عامل با ارتقای تعاملات زوجین و تسلط بر زندگی مشترک، گرایش به خیانت را کاهش داده و متعاقبا از بروز مشکلات آتی پیشگیری به عمل خواهد آورد. افزون بر این، عدالت زناشویی و اهمیت آن می‌تواند سایر کارکردهای خانواده مانند تربیت فرزندان، سرزندگی اجتماعی و موفقیت های فردی را قم بزند.

این پژوهش خالی از محدودیت نبوده است. محدودیت نخست این مطالعه استفاده از روش خودگزارشی و کاربرد پرسشنامه می‌باشد.. محدودیت دیگر این پژوهش مربوط به قلمرو مکانی و زمانی مطالعه است لذا نمی‌توان یافته‌های آن را به زنان سایر شهرها و نهادهای دیگر تعمیم داد. محدودیت دیگر این پژوهش مربوط به روش پژوهشی است. در این مطالعه به بررسی روابط علی و همچنین همبستگی بین متغیرها پرداخته شد اما به دست آوردن این یافته‌ها با استفاده از سایر روش‌های پژوهش مانند مداخلات روانشناختی می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد. در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و احتمالا تعمیم نتایج را با مشکل مواجه می کند. محدودیت دیگر و مهم این پژوهش همراستایی این پژوهش با همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ (کرونا) بود که این امر سبب آن شد تا پرسشنامه‌های پژوهش به صورت مجازی در فضای پرس‌لاین اجرا شوند. با توجه به این که این پژوهش بصورت همبستگی اجرا شده است، لذا جهت کسب نتایج دقیق‌تر پیشنهاد می‌شود ارتباط این متغیرها با بهره‌گیری از سایر روش‌ها نیز اجرا شوند. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در آینده مطالعاتی را طرح‌ریزی کنند که نقش عدالت زناشویی، بلوغ عاطفی و گرایش به خیانت زناشویی در کنار متغیرهای مختلف دیگر مانند حساسیت به طرد، انزوا، شفقت به خود، رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی و ... مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

امیدی ارجنکی، ز.، صالح زاده، م.، زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تمایل به خیانت زناشویی بر اساس صفات شخصیت در زنان و مردان متاهل شهر اصفهان، *دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی*، اردبیل. https://civilica.com/doc/1035534

بزرگر، س.، و هنرپروران، ن. (۱۳۹۸). مقایسه بلوغ عاطفی در افراد دارای گرایش به خیانت و افراد عادی. *مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۴(۴۰)، ۱۷-۲۵. http://ijndibs.com/artice-1-390-fa.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

جعفری هرندی، ر.، رجایی موسوی.، ف. (۱۳۹۸). پیش بینی بلوغ عاطفی بر اساس جو عاطفی خانواده و میزان مذهبی بودن والدین در دانش آموزان دختر. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۶(۳۴)، ۱-۲۶. https://dx.doi.org/10.22111/jeps.2019.4730

دهقانی، م و اصلانی، خ. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر مدل درمان جراحت دلبستگی با زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر بر بخشش در زنان آسیب‌دیده از خیانت‌زناشویی. *فصلنامه روان‌شناسی‌کاربردی*، ۱۴(۲)، ۱۷۱-۱۴۷. https://dx.doi.org/10.52547/apsy.14.2.147

رجبی، ط و عباسی، ق. (۱۳۹۷). *بررسی رابطه بلوغ عاطفی با نگرش به خیانت زناشویی در زوجین متقاضی طلاق استان مازندران*، ششمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران. https://civilica.com/doc/854166

شریفی ریگی، ع.، مهرابی زاده هنرمند، م؛ رحیمی، م؛ بشلیده، ک.، امینی، ز. (۱۳۹۷). نقش بلوغ عاطفی، خود تاب آوری و هوش معنوی در پیش‌بینی سازگاری با دانشگاه با کنترل انعطاف پذیری شناختی در دانشجویان پسر. *روانشناسی مثبت*، ۳(۱۵). ۱۲-۱ https://dx.doi.org/10.22108/ppls.2018.107494.1265

صفائی، م و صداقت، م. (۱۳۹۹). مقایسه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، سبک زندگی و بلوغ عاطفی در بین زنان و مردان متاهل. *فصلنامه ایده های نوین روانشناسی*. ۴(۸). ۱۱-۱ http://jnip.ir/article-1-481-fa.html

عبداللهی، د؛ محسن‌زاده، ف و سعادتی شامیر، ا. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی زوج درمانی شناختی-سیستمی مبتنی بر آموزش رویکرد مک مستر و گاتمن بر عدالت زناشویی زوجهای متعارض. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۴(۲)، ۸-۱. https://islamiclifej.com/article-1-442-fa.html

غفاری، م و رمضانی، ن. (۱۳۹۸). عدالت زناشویی و کیفیت زناشویی: نقش واسطه‌ای پرخاشگری ارتباطی پنهان. *خانواده پژوهی*، ۱۵(۶۰)، ۴۸۷-۵۰۳. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=508289

معظم، ر . (۱۳۹۹). اثر بخشی آموزش زوج درمانی گاتمن بر کاهش طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی و صمیمیت زناشویی شویی زوجین مراجع کننده به مراکز آموزش خانواده شهر آمل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. موسسه آموزش عالی ادیب مازندران https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/92815a8c0fd016a302fe66003e13b224/search/48ff9d45d9e806c27dc7f163eb8a746a

نصیری جونقانی، م؛ اصغری، ف و پورصفر، ع. (۱۴۰۰). بررسی رابطه ساختاری طرحواره های ناسازگار اولیه، تمایزیافتگی خود و عملکرد جنسی با تمایل به روابط فرازناشویی. *مجله روانشناسی*. ۲۵(۳)، ۳۴۹-۳۲۹. http://iranapsy.ir/Article/21892

Buss, D. M. (2018). Sexual and emotional infidelity: Evolved gender differences in jealousy prove robust and replicable. *Perspectives on Psychological Science*, *13*(2), 155-160. https://doi.org/10.1177/1745691617698225

Jung, H. S., & Yoon, H. H. (2018). Improving frontline service employees' innovative behavior using conflict management in the hospitality industry: The mediating role of engagement. *Tourism Management*, *69*, 498-507. https://doi.org/10.1016/j.tourman.2018.06.035

Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications. https://www.scirp.org/%28S%28351jmbntvnsjt1aadkposzje%29%29/reference/referencespapers.aspx?referenceid=3077675

Nelson, N., Peleg-Koriat, I., & Ben-Ari, R. (2018). Perceived procedural justice and conflict management in intimate relationships: The moderating effects of anxious attachment and personal power. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, *7*(1), 34. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/cfp0000098

Nourani, S., Shakeri, M. T., & Mokhber, N. (2019). The Relationship of Gender Role Attitude and Division of Household labor with Couples' Perceived justice. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, *7*(2), 1673-1682. https://dx.doi.org/10.22038/jmrh.2018.27135.1294

Podrigalo, L., Iermakov, S., Romanenko, V., Rovnaya, O., Tropin, Y., Goloha, V., & Halashko, O. (2019). Psychophysiological features of athletes practicing different styles of martial arts-the comparative analysis. International Journal of Applied Exercise Physiology, 8(1), 84-91.

Roos, L. G., O'Connor, V., Canevello, A., & Bennett, J. M. (2019). Posttraumatic stress and psychological health following infidelity in unmarried young adults. *Stress and Health*, 87(1), 69-77. https://doi.org/10.1002/smi.2880

Şaklar, Z. (2021). Perceived justice in marriage: The effects of justice sensitivity, ambivalent sexism, and gender. https://open.metu.edu.tr/bitstream/handle/11511/93192/10426359.pdf

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.7.20.9]